

A Study of the Country's Divisions and the Factors Affecting on it in the Qajar Period to the End of the Nasser Rule (1313 AH - 1210 AH)

*Fatemeh Ghalavand*¹ | *Zahra Ghalavand*,²
(DOI): [10.22034/skh.2023.16435.1430](https://doi.org/10.22034/skh.2023.16435.1430)

Abstract

Original Article

P 30 -60

The division of the country, which was created in order to better manage the affairs of the government, has a long history in Iran. During the Qajar period, these divisions also existed for better supervision of the affairs of the country; the criteria for the divisions were not the same throughout the Qajar period. Several factors were effective in these divisions. This article aims to use a library method and descriptive-analytical writing to analyze the changes in the country's divisions and the factors affecting them in the Qajar period from the beginning to the end of the Nasser period. The aim of this research is to outline the country's divisions of the Qajar period and its changes and developments in this period from the beginning to the end of the Nasseroddin Shah period. The results of this study show that in the division of states and provinces during the Qajar period, in addition to borrowing from previous governments, internal factors including natural and human factors, as well as the opinion of the central government and the degree of dependence of the rulers on the Shah and the court, and external factors such as foreign attacks and imposed treaties by foreign governments have caused important changes in the country's divisions.

Keywords: Qajar state divisions, Qajar era provinces, Qajar era states, Qajarization policy.

¹ - Assistant professor of history department of payame noor university—Iran. f.ghalavand@pnu.ac.ir

2. Assistant professor of history department of payame noor university. z.ghalavand@pnu.ac.ir

Received: 2023-07-05 | Revised: 2023-09-09 | Accepted: 2023-09-15



This article is distributed under the terms of the Creative Commons Attribution4.0 | <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

بررسی تقسیمات کشوری و عوامل موثر بر آن در دوره قاجار تا پایان حکومت ناصری (۱۳۱۳ ق. - ۱۲۱۰)

فاطمه قلاوند^۱ زهرا قلاوند^۲

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/skh.2023.16435.1430](https://doi.org/10.22034/skh.2023.16435.1430)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

ص: ۶۰/۳۰

تقسیم بندی کشوری که در راستای اداره بهتر امور حکومت‌ها ایجاد می‌شد؛ در ایران از سابقه‌ی طولانی برخوردار است. در دوره قاجار نیز، برای نظارت بهتر بر امور کشور، این تقسیمات وجود داشت؛ ملاک تقسیمات در تمام دوران قاجار یکسان نبود. عواملی چند در این تقسیمات موثر بود. این مقاله بر آن است، که با روش کتابخانه‌ای و نگارش توصیفی - تحلیلی به واکاوی چگونگی تغییرات در تقسیمات کشوری و عوامل موثر بر آن در دوره قاجار از ابتدا تا پایان دوره ناصری بپردازد. هدف این پژوهش ترسیم تقسیمات کشوری دوره قاجار و تغییر و تحولات آن در این دوره از ابتدا تا پایان دوره ناصرالدین شاه است. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد، که در تقسیم بندی ایالات و ولایات در دوره قاجار گذشته از واداری از حکومت‌های پیشین، عوامل داخلی شامل عوامل طبیعی، انسانی هم‌چنین نظر حکومت مرکزی و میزان وابستگی حکام به شاه و دربار و عوامل خارجی مانند حملات خارجی، قراردادهای تحمیلی دولت‌های بیگانه موجب تغییرات مهمی در تقسیمات کشوری شده است.

کلید واژه‌ها: تقسیمات کشوری قاجاریه، ولایات عصر قاجاریه، ایالات عصر قاجاریه، سیاست قاجاری کردن.

۱-استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور - ایران / f.ghalavand@pnu.ac.ir

۲-استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور - ایران / z.ghalavand@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲-۰۴-۱۴ | تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲-۰۶-۱۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲-۰۶-۲۴



مقدمه

تقسیمات کشوری همان گونه که از نامش پیدا و هویداست؛ به فرایند تقسیم کشور به واحدهای کوچکتر برای سهولت اداره‌ی آن اطلاق می‌شود. در واقع تقسیمات کشوری یکی از ابزارهای مهم حکومت‌ها برای سازماندهی سیاسی در کشور و مدیریت بهتر آن محسوب می‌شود؛ از این رو بررسی و شناخت تقسیمات کشوری و چهارچوب آن در شناخت حکومت‌ها و نحوه مدیریت آن‌ها از اهمیت برخوردار است؛ این تقسیم بندی‌ها از زمان داریوش هخامنشی (۵۲۲ - ۴۸۶ پ.م) در ایران آغاز شد؛^۱ حکومت‌های بعدی نیز در اداره‌ی کشور از روش تقسیم بندی سرزمینی بهره بردند؛ البته حد و مرز این تقسیم بندی‌ها در دوره‌های مختلف تغییر یافت. عواملی هم‌چون: ویژگی‌های طبیعی مناطق، پراکندگی قومی و نژادی و وسعت جغرافیایی و مسایل نظامی در این تقسیمات موثر بوده است.

حکومت قاجاریه در تاریخ معاصر کشور به دلیل رویدادهایی هم‌چون: شکست از روسیه، قراردادهای تحمیلی با دولت‌های غرب و انقلاب مشروطه از اهمیت برخوردار است؛ از این رو، بررسی زوایای گوناگون سیاسی و اجتماعی این دوره‌ی تاریخی مهم و قابل توجه است؛ از این میان موضوع تقسیمات کشوری این دوره‌ی تاریخی پیش از مشروطه و تصویب اولین قانون تقسیمات کشوری در سال ۱۳۲۵ ق. در خور بررسی و امعان نظر است. از این رو، با عنایت به نبود منبعی در دوره‌ی قاجار که مانند کتاب تذکره الملوک دوره صفوی به نظام تقسیمات کشوری در آن زمان بپردازد و هم‌چنین کمبود پژوهش‌های جدید در مورد تقسیمات کشوری این دوره، پژوهش حاضر بر آن است که با استفاده از روش کتابخانه‌ای و نگارش توصیفی - تحلیلی به این سؤال پاسخ دهد که تقسیمات کشوری و عوامل موثر بر آن در دوره‌ی قاجار چگونه بود؟

هرچند در مورد نظام تقسیمات کشوری در دوره‌های تاریخی مختلف پژوهش‌های اندکی موجود است؛ اما در مورد تقسیم بندی کشوری دوره‌ی قاجار پیش از مشروطه پژوهشی انجام نشده است. پژوهش‌ها در مورد تقسیمات کشوری در ایران عبارتند از: برن، رهر (۱۳۸۳) در کتاب نظام ایالات در دوره‌ی صفویه که توسط انتشارات علمی و فرهنگی به چاپ رسیده است به نظام ایالات و ولایات صفویان (۱۱۳۵ - ۹۰۷) به‌عنوان اولین دولت ملی یک‌پارچه ایرانی بعد از اسلام پرداخته است. در

۱ داریوش بیست هاکم نشین (ساتراپی) در پارس (ایران) برقرار کرد. این تقسیمات پیش‌تر نیز، در این سرزمین موجودیت داشت؛ اما در دوره داریوش اختیارات حکام آن‌ها (ساتراپ) محدود شد و تحت نظر شاه و حکومت مرکزی درآمدند. (هرودوت، ۱۳۸۴: ۳، ۱۸۵)

این پژوهش، مناصب حکومتی ایالات دوره‌ی صفوی نیز، بررسی شده است. شعبانی، رضا (۱۳۷۷) نیز، در کتاب «تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه» که به همت انتشارات قومس در دو جلد به چاپ رسیده است؛ در فصل مربوط به «نظام اداری و حکومتی افشاریه» مطالبی مرتبط با تقسیمات کشوری دوره‌ی افشاریه را بیان می‌کند؛ همچنین ورهرام، غلامرضا (۱۳۸۵)، در کتاب «تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زند» که توسط انتشارات معین به چاپ رسیده است، در فصل مربوط به «حدود و قلمرو دولت زندیه»، به ایالات و ولایات و اداره‌ی آن‌ها در دوره‌ی زندیه اشاراتی داشته است. مقاله ارزشمند «تقسیمات کشوری ایران»، در دایره‌المعارف اسلامی نیز، که به موضوع تقسیمات کشوری ایران و جهان اسلام از آغاز تا زمان حاضر پرداخته است؛ به تقسیمات کشوری دوره‌ی قاجار پیش از مشروطه نمی‌پردازد. خسرو بیگی، هوشنگ؛ قلاوند، زهرا (۱۳۹۵) در مقاله «تقسیمات سیاسی و ساختار تشکیلاتی ایالت فارس در دوره قاجار» نیز ضمن اشاره‌ای گذرا به تقسیمات کشوری دوره‌ی قاجار به تقسیمات ایالتی و ساختار سیاسی ایالت فارس پرداخته‌اند.

۱. بحث و بررسی

۱.۱. تقسیمات کشوری از دوره‌ی صفوی تا پایان زندیه

با بررسی منابع دوره‌ی صفوی، مشاهده می‌شود که تقسیمات کشوری در این دوره عبارتند از: ۱. شیروان (شماخی) ۲. قراباغ (گنجه) ۳. چخور سعد (ایروان) ۴. آذربایجان (تبریز) ۵. دیاربکر (قرآمد) ۶. ارزنجان ۷. قلمرو علی شکر (همدان) ۸. بقیه عراق عجم. کرمانشاهان و کلهر، عراق عرب (بغداد) ۱۱. فارس (شیراز) ۱۲. کهکیلویه (بهبهان) ۱۳. کرمان ۱۴. قندهار ۱۵. بلخ ۱۶. مرو ۱۷. مشهد ۱۸. هرات ۱۹. استرآباد (گرگان). (برن، ۱۳۸۳: ۲-۱) ایالات والی نشین به ترتیب اهمیت عبارت بودند از: عربستان (هویزه)، لرستان، گرجستان، کردستان (میرزا سمعی، ۱۳۷۸: ۴-۵) بر اساس متون دوره‌ی افشاریه (۱۱۴۸-۱۱۶۳) کشور، به ایالات خوزستان و هویزه، کردستان، گرجستان، ممالک خراسان (از قندهار الی پل کرب در مرز عراق عجم)، بلخ، مرو، کوهکیلویه، کرمانشاه، شیروان (شماخی)، فارس، بحرین، ایروان (چخور سعد)، عراق (عجم)، مازندران (استر آباد)، آذربایجان، اصفهان، کرمانشاهان، عراق عجم، قلمرو علی شکر (همدان)، یزد، هرات، محال سند، لرستان فیلی (استرآبادی، ۱۳۹۰: ۱، ۴۳۰، ۲۳۹، ۱۱۸، ۳۷۸، ۷۸۰، ۱۱۵، ۱۷۰، ۱۰۶، ۲۱۵، ۱۱۸، ۴۰۰، ۳۳۹، ۲۰۷) ایالت شکارپور (شعبانی، ۱۳۷۷: ۱، ۱۹۱) تقسیم می‌شد.

در این زمان بنا به امر نادر افرادی با عنوان حاکم، والی،^۱ بیگلر بیگی، صاحب اختیار^۲ یا فرمان‌روا برای اداره‌ی مناطق فرستاده می‌شدند. هم‌چنین بنا به نظر و میل نادرشاه تغییراتی در حدود ایالات و ولایات روی داد؛ برای نمونه در سال ۱۱۴۶ ه. ق، حکومت فارس به همراه خوزستان و کرمان به طهماسب قلی خان جلایر سپرده شد. (استرآبادی، پیشین: ۱، ۱۷۶) اما در سال ۱۱۴۸ ه. ق، ایالت فارس مستقلاً به محمد تقی خان بیگلر بیگی داده شد. (شعبانی، پیشین: ۱۸۹) یک سال بعد در سال ۱۱۴۹ ق، بحرین نیز به میرزا محمدتقی خان بیگلر بیگی سپرده شد. (همان: ۱، ۲۷۷) هم‌چنین در سال ۱۱۴۷ ق، شوشتر و دزفول در شمال خوزستان به انضمام کهکیلویه به محمد خان بلوچ سپرده شد. (همان: ۱۷۶) ظاهراً در دوره‌ی افشاریه تمام قلمرو حکومت برای نظام بندی مالی به چهار ولایت بزرگ تقسیم می‌شد: ۱. آذربایجان (با توابعش که شامل گرجستان، ارمنستان و تمام متصرفات ماورای قفقاز می‌شد). ۲. عراق عجم ۳. خراسان ۴. فارس بوده است. در رأس نظام بندی مالی هر کدام از این ایالت یک مستوفی قرار داشت.^۳ پس از در اختیار گرفتن متصرفات شمال غربی هندوستان مغولی، از این متصرفات ولایات جدیدی تشکیل شد و مستوفی نیز برای «کلیه مداخل و مخارج هندوستان تعیین شد.» (آرنووا، اشرافیان، ۲۵۳۶: ۱۳۹)

در دوره‌ی زندیه (۱۲۰۹ - ۱۱۶۳)، بر اساس متون این دوره ایالات تشکیل دهنده ایران عبارت بودند از: ایالات والی نشین کردستان، لرستان، عربستان و گرجستان (رستم الحکما، ۱۳۸۲: ۳۶۶)

۱ در دوره‌ی صفوی امیران غیردولت‌خانه که امیران سرحد هم گفته می‌شدند، به چهار نوع بودند که به ترتیب اهمیت و قدرت عبارت بودند از: ۱. ولات (والی‌ها) ۲. بیگلر بیگی ۳. خوانین ۴. سلاطین. مقام والی، از بیگلر بیگی بالاتر بود. والی‌ها از اولاد بازماندگان سلاطینی بودند، که پس از این که مطیع شاهان صفوی شدند؛ هم‌چنان حکومت آن نواحی به آن خاندان واگذار می‌شد. والی نشین‌ها عبارت بودند از: عربستان، لرستان، گرجستان، کردستان. پس از والی مقام بیگلر بیگی بود. در هر سرحدی، بیگلر بیگی منصوب می‌شد هم‌چنین جمعی که در حوالی و اطراف مملکت حاکم می‌شدند؛ تابع بیگلر بیگی و به عرض وی معزول و منصوب می‌گردیدند. (میرزا سمیع، پیشین: ۵ - ۴: سانسون، ۱۳۶۴: ۵۸)

۲ صاحب اختیار، عنوانی بود که از دوره‌ی صفوی در انتصاب مشاغل سیاسی به کار برده شده است. (مرو، ۱۳۶۴: ۱، ۶۳: کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۳۴) این عنوان در دوره‌ی افشاریه نیز، در مواردی در مناصبی هم‌چون: حاکم و نایب که اداره‌ی ایالت را بر عهده داشته است؛ کاربرد داشته است. (مرو، پیشین: ۷۲۷) این عنوان در دوره‌ی قاجاریه برای لقب چند شخص به کار برده شده است: مانند سلیمان خان صاحب اختیار (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۰: ۲۵۸)

۳ در رأس سرکار دیوان اداره‌ی درآمدهای دولتی، دیوان مستوفی الممالک قرار داشت که دریافت و پرداخت مواجب مأموران لشکری و کشوری را بر عهده داشت. در دوره‌ی نادرشاه مستوفی هر ایالت گزارشات مالی را مستقیم به شاه منتقل می‌کرد و بیگلر بیگی و حاکمان حق دخالت در امور مالی را نداشتند. (مرو، پیشین: ۲، ۴۵۷)

هم‌چنین ایالات طبرستان و مازندران، گیلان، اصفهان، آذربایجان (قبه)، قراداغ و قراباغ، شیروان، کرمان، یزد، کاشان و قم، بمپور، کلات و بلوچستان (همان) کرمان، با توابع شان و نیمروز، سیستان، زابلستان و بلوچستان با توابع شان، طبرستان، گرگان، مازندران، گیلان، قزوین، کاشان و قم، همدان، کرمانشاهان، با توابع و قلمرو علی شکر؛ یعنی کمره و کزاز (شازند) و فراهان، بحرین، عمان (همان: ۳۵۰) این ایالات را حاکم یا بیگلر بیگی اداره می‌کرد. (همان)

۱.۲. تقسیمات کشوری در دوره‌ی قاجار

هر چند اصطلاح «مملکت محروسه ایران» از دوره‌ی صفوی متداول شد؛ اما نوشته‌ها و منابع گواه آن است، که دست کم در فارس نامه ابن بلخی و از زمان ملک‌شاه سلجوقی، این اصطلاح در معنای ممالک قلمرو کشور ایران و پاسداری شده توسط ایران به کار رفته است. (ابن بلخی، ۳، به نقل از باستانی‌راد، ۱۳۸۹: ۲۰) اما از زمان صفوی، در مکاتبات رسمی از کشور با عنوان «ممالک محروسه‌ی ایران» نام برد می‌شد. (منشی، ۱۳۷۷: ۱، ۲۰۸) هم‌چنین در متون تاریخی و ادبی دوره‌ی قاجار در تقسیم بندی ایالات، اصطلاح «مملکت» به چشم می‌خورد (وفا زواره‌ای، ۱۳۸۵: ۲۱۷) هر چند تعداد ممالک ذکر شده در منابع دوره‌ی قاجار تفاوت‌هایی با هم دارند؛ برای نمونه در کتاب «افضل التواریخ» تعداد این ممالک در دوره قاجار شش مملکت ذکر شده است؛ شامل: عراق عجم (سرزمین ماد)، فارس، خراسان، آذربایجان (آتروپاتن) گیلان و اهواز (افضل الملک، ۱۳۶۱: ۳۰۰) اما در «منشآت» قایم مقام فراهانی به ۴ مملکت خراسان، فارس، آذربایجان و عراق اشاره شده است. (قایم مقام فراهانی، ۱۳۳۶: ۴۳۸) هر مملکت در این زمان از شهرهای متعددی تشکیل می‌شد؛ شهرهای مملکت عراق عجم در این زمان شامل تفرش، آشتیان، گرگان، فراهان، سلطان آباد (اراک)، ساوه، قم، کاشان، اصفهان، تهران، ملایر، تویسرکان، نهاوند، خزل (از توابع نهاوند)، قزوین، یزد، اردکان، بروجرد، لرستان، کمره، گلپایگان، خوانسار، همدان، کنگاور و کرمانشاهان، سرحد ذهاب و قصر شیرین بوده است (افضل الملک، پیشین: ۳۰۰) هم‌چنین مملکت فارس که پایتخت آن شیراز بود. از طرف مملکت عراق با ارجان (بهبهان)، از سمت کرمان با سیرجان و از جانب دریای هند با سیراف هم مرز بود؛ بنا به گفته افضل الملک طول آن صد و پنجاه فرسخ بود. (همان: ۳۰۱) مملکت دیگر خراسان بود که از طرف تهران بعد از گذشت از بلوک خوار، ورامین، از لاسجر (لاسجرد) و سمنان و دامغان و شادمهر و بسطام از ابتدای خاک خراسان شروع می‌شود و تا سیستان ادامه دارد، مرو و هرات نیز جزء مملکت خراسان بود. (افضل الملک، پیشین:

۳۰۱) مملکت آذربایجان نیز در این دوره شامل مملکت وسیعی بوده است؛ خاک خمسه در ابتدای خاک آذربایجان بود که منتهی به رود ارس می شد. مملکت طبرستان، شامل شهرهای مهم استر آباد و گرگان بود. مملکت اهواز نیز شامل شهرهای ذیل بود: رامهرمز، عسکر مکر، تستر (شوشتر)، ایذج (ایذه) (همان: ۳۰۱ - ۳۰۰) با بررسی اصطلاح ممالک و مملکت در متون تاریخی و ادبی دوره‌ی حاکمان قاجار؛ این اصطلاح در ارتباط با شش ایالت فوق مکررا ذکر شده است. (وفا زواره‌ای، پیشین: ۱۷۱، ۲۶۷، ۲۲۱، ۳۰۶؛ چکیده متن سالنامه‌های ایران، ۱۳۸۹، ج ۱ و ۲، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۵۰، ۳۰۴، ۳۵۱، ۴۰۵، ۴۶۲، ۵۱۵، ۶۳۲، ۸۵۹، ۸۹۶، ۹۳۸؛ افضل الملک، پیشین: ۳۵، ۱۰۱، ۱۵۳، ۳۵۳؛ هدایت، ۱۳۸۰: ج ۸، بخش دوم: ۷۷۲۶)

در دوره‌ی سلطنت قاجاریه، به تقلید از دوره‌ی صفویه، شهرها دارای لقب خاصی بودند؛ برای نمونه تهران (دارالخلافه)، قزوین (دار السلطنه)، کرمان (دار الامان)، استر آباد، مازندران و قزوین (دار المرز)، قم (دار لایمان)، کاشان (دار المؤمنین)، یزد (دار العباد)، همدان (بلده طیبه)، کرمانشاه (دار الدوله)، (خاوری شیرازی، ۱۳۸۱: ۸۷۲، ۷۴۸، ۷۴۸، ۶۶۲؛ چکیده و متن سالنامه‌های ایران، پیشین: ۱، ۴۰۸، ۳۰۵؛ قایم مقام فراهانی، ۱۳۳۶: ۸۰ و ۳۱۳)

۱/۲/۱. تقسیمات کشوری در دوره‌ی آقا محمدشاه (۱۱۵۵ - ۱۲۱۱ ق) و آغاز دوره‌ی فتح‌علی شاه (۱۱۸۵ - ۱۲۵۰ ق)

در دوره‌ی قاجاریه، تقسیمات اداری ایالات اصول ثابت و دایمی نداشت؛ گذشته از عوامل جغرافیایی، تاریخی و قومیتی تأثیرگذار در تقسیم بندی ایالتی، وسعت ایالات بسته به شایستگی و توانمندی حاکمان یا به میزان اعتماد و بیم و هراس شاه نسبت به حاکمان و فرمان‌داران و همچنین جایگاه و موقعیت حاکم و از همه مهم‌تر میل و اراده شاه تغییر می‌یافت؛ هم‌چنان که از نوشته‌ها و منابع داخلی و سفرنامه‌های خارجی برمی‌آید؛ تقسیم بندی ایالات و ولایات در ایران پیوسته در حال تغییر بوده است.

ممالک محروسه، برای تسهیل امور سیاسی به ایالات و ولایات تقسیم می‌شد. هر ایالت از یک مرکز نشین و چند ولایت جزء تشکیل می‌شد. ولایت نیز شامل چند شهر و قصبه و بلوک بود که یکی از شهرهای آن نیز حاکم نشین یا مرکز ولایت محسوب می‌شد؛ حکومت ولایت ممکن بود تابع پایتخت یا تابع مرکز ایالتی باشد. (ساکما، ۲۹۶، ۱۶۱۹۸، تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام،

ماده ۲ و ۳)

همه‌ی دوران حکومت آقامحمد شاه، به جنگ و درگیری برای باز پس گیری ایالات و ولایات سپری شد در این دوره ایالات قفقاز و همچنین خراسان بزرگ بار دیگر، به تسلط حکومت مرکزی درآمد. (شیرازی، ۱۳۷۰: ۳۶) آقا محمد شاه، پس از قتل شاهرخ میرزا، سفیری به نام محمد حسن خان قراگزلو به دربار زمان شاه فرستاد تا شهر بلخ را به ایران واگذار کند و با وی علیه خوانین ترکستان متحد شود. زمان شاه در مقابل دریافت دویست هزار تومان حاضر شد که بلخ را واگذار کند، اما در باره‌ی اتحاد علیه خوانین از یک پاسخی نداد. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۳: ۲۰۰) پس از آن، محمود حاکم هرات نیز، با اطاعت از آقا محمد خان تصمیم گرفت با وی همکاری کند و به همین منظور، دستور داد؛ تا در هرات خطبه به نام پادشاه ایران بخوانند و سکه به نام او ضرب کنند. (متولی حقیقی، ۱۳۷۹: ۴۹)

در باب تقسیم بندی ایران در اوایل دوره‌ی قاجاریه (آقا محمد شاه) از شانزده ایالت نام برده شده است:

«یکی در سمت مغرب که آذربایجان می‌نامند و چهار ایالت در طرف شمال و بحر خزر است که گرجستانات و شیروانات و گیلانات و طبرستانات است. دو ایالت در جنوب مشرق اراضی اوزبک در سمت شمالی آن واقع مسما به خراسان و غزنین است و یک ایالت در خاک ایران است که عراق عجم معبر از آن و هشت ایالت دیگر برخی بسته به خاک بغداد و بعضی در کنار دریای بصره و بحر عمان و محیط هندوستان است، که عبارت است از: کردستان، لرستان، خوزستان، فارس، کرمان، مکران، زابلستان و سجستان.» (خاوری شیرازی، پیشین: ۱، ۱۱ و ۱۴)

شهرهای مشهور آذربایجان در این زمان عبارت بودند از تبریز، اردبیل، خلخال، مراغه، خوی، ارومی، ایروان و شوشی و گنجه و نخجوان بود، از جمله شهرهای مهم گرجستان تفلیس و از شیروانات؛ شکی و شماخی، دربند و بادکوبه و قبه بود. از شهرهای مهم غزنین می‌توان به فراه، سبزوار، قندهار، بلخ اشاره کرد. از شهرهای فارس، می‌توان به شیراز، لار، ابرقوه و جهرم و دارابجرد و فسا و نیریز و کازرون و مسقط و بحرین و بصره و بندربوشهر و بنادر کنگان اشاره کرد که در کنار دریای عمان قرار دارند؛ جزایر خارک و قشم و دیگر جزایر متعلق به بنادر فارس بودند. (خاوری شیرازی، پیشین: ۱۵) (جدول شماره ۱)

در دوره‌ی حکومت آقا محمد خان، فرمان‌روایی حاکمان ایالاتی که در کشاکش‌های قاجار برای به حکومت رسیدن از قاجارها حمایت کردند؛ همچنان ادامه یافت؛ همچنین حکومت تعدادی از

ایالات نیز به رؤسای قبایل حامی دولت قاجاریه اعطا شد. تعدادی از بیگلر بیگی نشین‌ها نیز، هم‌چنان به حیات خود ادامه دادند. (هدایت، پیشین: ۹، ۲۹۷؛ اعتضاد السلطنه، ۱۳۷۰: ۹، ۲۴۷) در اوایل دولت قاجاریه نیز، همانند صفویه، بیگلر بیگی، عنوان برخی از حاکمان ولایات بود؛ آنان از جانب سلطان انتخاب می‌شدند. این مقام در تمامی ادوار حکومت قاجاریه و در تمامی شهرها از یک درجه اعتبار برخوردار نبود (قایم مقام فراهانی، پیشین: ۴۴۳) دروویل در سفرنامه خود از بیگلر بیگی‌های درجه یک و دو نام برده است. (دروویل، ۱۳۷۰: ۳۳۶ - ۳۴۳)

جدول شماره ۱- ایالات و ولایات ایران در اواخر دوره‌ی آقا محمد شاه (خاوری شیرازی، پیشین:

ج ۱، ۱۵)

ردیف	ایالات	شهرهای مهم آن
۱	آذربایجان (خاوری شیرازی، ۱۳۸۱: ۱، ۱۵)	تبریز، اردبیل، خلخال، مراغه، خوی، ارومی، ایروان و شوشی و گنجه و نخجوان (همان)
۲	گرجستان	تفلیس (همان)
۳	شروان	شکی و شماخی، دربند و بادکوبه و قبه (همان)
۴	گیلان	رشت، لاهیجان، فومن، کستگر، بندر انزلی و قصبات طالش (همان)
۵	طبرستان	استرآباد (قبل از این داخل خراسان بود) ساری، بارفروش (بابل)، آمل، تنکابن و اشرف (بهشهر) (همان)
۶	خراسان	از خراسان، هرات، مروشاهیجان، طوس (مشهد مقدس، تربت حیدریه، ترشیز) قوچان، بزدنجر، (بجنورد) کلات، درجزین، تون (شهر فردوس)، طبس، بیرجند، نیشابور، سبزوار، بسطام، جاجرم و جوین، دامغان، سمنان و مزینان (همان)
۷	عراق عجم	قم، تهران، دماوند، یزد، قزوین، همدان، نهاوند، بروجرد، تویسرکان، جرفادقان (گلپایگان) و سلطان آباد، کزاز (شازند) وزی (همان)

۸	غزنین	فراه، سبزاره، قندهار، بلخ، غزنین (همان)
۹	کردستان	سفندج (سنندج)، سلیمانیه، شهر زور (همان)
۱۰	لرستان	شوشتر، دزفول، هویزه (همان)
۱۱	زابلستان (سیستان)	مهم‌ترین شهرهای این استان که سیستان می‌نامندش، بست است. (همان)
۱۲	خوزستان	شوشتر، دزفول، هویزه (همان)
۱۳	فارس	شیراز، لار، ابرقوه و جهرم و دارابگرد و فسا و نیریز و کازرون و مسقط و بحرین و بصره و بندرابوشهر (بوشهر) و بنادر کنگان. جزایر خارک و قشم (همان)
۱۴	کرمان	کرمان، بم و نرماشیر، بندر عباسی (بندر عباس) و جزیره هرمز متعلق به بندر عباسی است. (همان)
۱۵	مکران	مهم‌ترین شهرهای آن کج و تیج (طیس) است. (همان)
۱۶	سجستان (بلوچستان)	مهم‌ترین شهر این ایالت که بلوچستان می‌نامند؛ زرنج (زرنند) است

۲/۲/۱. تقسیمات کشوری در دوره‌ی فتح‌علی شاه (۱۱۸۵ - ۱۲۵۰ ق)

تعداد ایالات و ولایات در دوره‌ی فتح‌علی شاه در نتیجه‌ی عامل خارجی یعنی؛ شکست ایران از روسیه که منجر به از دست رفتن قسمت‌هایی از کشور شد؛ تغییر یافت. به موجب قرارداد گلستان که در سال ۱۲۲۸ ه ق، میان روسیه و ایران منعقد شد، دربند، باکو، شروان، قراباغ و قسمتی از طالش از ایران جدا شد و به روسیه منضم شد. همچنین دولت ایران از هرگونه ادعا نسبت به مناطق مینگرلی، گرجستان و ابخازی صرف نظر کرد. (هدایت، پیشین: ج ۹، بخش اول، ۷۶۵۰) دروویل که در زمان فتح‌علی شاه و قبل از انعقاد عهدنامه ترکمان‌چای به ایران سفر کرد. ایران را شامل نه ایالت می‌داند، که عبارتند از: آذربایجان، گیلان و مازندران، عراق عجم، فارس، خوزستان، لرستان، کرمان و خراسان. (دروویل، پیشین: ۱۰ - ۹)

به‌موجب عهدنامه ترکمان‌چای در ۱۲۴۳ ه ق، نیز نخجوان، ایروان، قراباغ و شوره گل به روسیه واگذار شد. (هدایت، پیشین: ج ۹، بخش دوم، ۷۸۸۸ - ۷۸: سپهر، ۱۳۷۷: ج ۲، ۳۴۰) پس از

جنگ‌های ایران و روسیه و عقد معاهده‌های صلح در ذکر ایالات ایران از «هجده حاکم نشین» ۱. شیراز ۲. خراسان ۳. کرمان ۴. یزد ۵. خمسه ۶. رشت ۷. کرمانشاه و همدان ۸. نهاوند و لرستان ۹. بروجرد ۱۰. اصفهان ۱۱. گلیایگان ۱۲. سمنان ۱۳. شاهرود و بسطام ۱۴. قزوین ۱۵. تهران و محالات ۱۶. قم ۱۷. کاشان ۱۸. ملایر و توپسرکان نام برده می‌شود. (جهان‌گیر میرزا، ۱۳۸۴: ۹۵)

در این دوره تعدادی از ایالات با توجه به اهمیت اقتصادی و میزان درآمد و نیز موقعیت استراتژیک مورد توجه حکومت مرکزی بودند. از این‌رو، حکومت مرکزی در انتخاب حاکمان ایالات و ولایات، شاخصه‌های یاد شده را مورد توجه قرار می‌داد؛ کم‌ترین کوتاهی در این زمینه ممکن بود، به تضعیف قدرت حکومت مرکزی در ایالت مزبور و یا حتی جدایی آن قسمت از کشور بیانجامد؛ بنابراین، اداره‌ی ایالاتی مهم در مرزهای کشور به افرادی از خاندان شاهی سپرده شد. برای نمونه حکومت آذربایجان به ولی عهد داده می‌شد.

در دوره‌ی آقا محمد شاه (۱۱۵۵ - ۱۲۱۱ ق) و پیش از بروز خطر روسیه و با توجه به اهمیت سیاسی استان فارس به عنوان مرکز استقرار حکومت پیشین (حکومت زندیه) و با عنایت به توان اقتصادی بالای ایالت فارس، ولی عهد نشین بود. (فسایی، ۱۳۸۲: ۲، ۹۵۵) همچنین حکومت ایالت پهناور خراسان نیز به طور سنتی به پسر شاه تعلق می‌گرفت، حکومت، لرستان، کرمانشاه و کردستان و برخی از مناطق پیرامون آن با توجه به فراوانی ایالات و سرحد عرب و عجم بودن به محمد علی دولت‌شاه (۱۲۰۳ - ۱۲۳۷ ق) و فرزندان وی داده شد. (قایم مقام، پیشین: ۸۰) هرچند در موارد معدودی نیز، این سنت رعایت نمی‌شد.

حکمرانان ایالات بزرگ کشور شامل آذربایجان، خراسان، فارس و کرمان دارای عنوان و لقب «فرمان‌فرما» بودند. واتسن درخصوص منصب و لقب و اختیارات «فرمان‌فرما» می‌نویسد: «تمام فرمان‌روایان ولایت و شهرها برای انتخابی که نصیب شان می‌شود، باید پولی بدهند و این مقام را نه تنها، برای مدت معینی بر عهده خواهند داشت، بلکه تا وقتی که نظر لطف همایونی شامل حال آن‌هاست. به طور کلی این فرمان‌داران اختیار صدور حکم مرگ و حیات نسبت به زیر دستان خود را ندارند، بلکه این اختیار را بر فرمان‌فرمایانی که بر ایالت‌های عمده مملکت در نقاط دور دست مانند آذربایجان، فارس و خراسان حکومت دارند، اعطا کردند. (واتسن، ۲۵۳۶: ۲۰ - ۱۹)

بسیاری از مورخان سیاست «قاجاری کردن» حکمرانی شاهزادگان قاجار بر ایالات را که از زمان فتح‌علی شاه (۱۱۸۵ - ۱۲۵۰ ق) در راستای افزایش تمرکز قدرت حکومت مرکزی، کاهش قدرت نیروهای محلی و ایلی هم‌چون: بیگلر بیگی‌ها و افزایش نظارت بر اداره‌ی ایالات شکل گرفت را در

تحکیم پایه‌های حکومت قاجار موثر دانسته‌اند. (امین الدوله، ۱۳۵۵: ۶) این سیاست هم‌چنین موجب تغییراتی در تعداد ایالات و ولایات کشور، محدوده و وسعت آن‌ها شد. برای نمونه ایجاد ولایت خمسه در سال ۱۲۱۱ هـ ق، هم‌چنین به فرمان فتح‌علی شاه (۱۱۸۵ - ۱۲۵۰ ق) در همین راستا انجام گرفت. (افضل الملک، پیشین: ۴۰۹) افضل الملک در خصوص چگونگی تشکیل این ایالت نوشت: «در جغرافیای سابق به خمسه اشاراتی نشده است و جهت آن، این است، که حکومت خمسه در عهد خاقان مغفور فتح‌علی شاه، جد سوم اعلیحضرت تأسیس شد. در عهد فتح‌علی شاه، رسم بر این بود که حکومت هر یک را به شاهزادگان واگذار می‌کردند. در آن زمان هریک از پسران فتح‌علی شاه، به حکومت رسیدند، ولی شاهزاده دارا، بی‌حکومت ماند. خواستند از برای او فکر حکومتی کنند؛ عزل دیگری جهت نداشت. لهذا مرحوم میرزا شفیع صدر اعظم صلاح در آن دید که از پنج ولایت، پنج بلوک و ناحیه مجزا کنند و آن را تحت یک اداره‌ی قرار دهند و شاهزاده دارا، به حکومت آن‌جا روند که بیکار نماند. به این جهت از شهر قزوین و گروس (بیجار) و همدان و آذربایجان و فلان، بلوکی مجزا کردند؛ جزء زنجان کرده شاهزاده دارا، را به حکومت آن‌جا فرستادند. به این جهت این ولایت خمسه نامیده شد و پایتخت خمسه، زنجان است.» (افضل الملک، ۱۳۶۱: ۴۰۹)

هم‌چنین در این دوره، قسمتی از شرق گروس (بیجار) جدا و به ولایت جدید التأسیس خمسه می‌پیوندد؛ تا این زمان گروس جزو ایالت همدان بود. از این زمان گروس به ایالت آذربایجان که مرکز حکومت ولی‌عهد قاجار است، می‌پیوندد، هم‌چنین در زمان فتح‌علی شاه محال صائین قلمرو صفاخانه (میاندوآب) ضمیمه گروس بود. (مربوانی، ۱۳۸۲: ۱۷۷)

عراق عجم در اوایل دوره‌ی قاجاریه؛ یعنی در زمان حکومت آقا محمد خان شامل اصفهان، کاشان، تهران، یزد، قزوین، زنجان، همدان، نهاوند، بروجرد، تویسرکان، جرفادقان (گلپایگان)، سلطان آباد (اراک)، کزاز (شازند)، خوانسار و کرمانشاهان بود. (خاوری شیرازی، پیشین: ۱، ۱۵) از دوره فتح‌علی شاه، به بعد بخش‌های از عراق عجم از آن جدا و به ایالات دیگر، ضمیمه شد و در مواردی نیز این شهرها، ولایت و ایالتی جدید تشکیل می‌داد. در سال ۱۲۲۲ هـ ق، یوسف خان گرجی حاکم منصوب این ایالت شهر «سلطان آباد» را به دلیل موقعیت جغرافیایی مناسب به عنوان مرکز این ایالت ایجاد کرد. (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۷: ۲۰۳) محدوده فرمان‌گزاری عراق (اراک) در این زمان علاوه بر سلطان آباد از اراضی فراهان نواحی کزاز (شازند)، کمره، سرپند، فس، بزچلو، شراه، تفرش، آشتیان را شامل می‌شد. (سپهر، ۱۳۷۷: ۱، ۱۶۸) از سوی دیگر نیز، با توجه به اختلاف حکومت مرکزی با حسن خان والی لرستان و در راستای کاهش قدرت حاکمان محلی و اجرای سیاست

قاجاری کردن حاکمان، قلمرو والیان لرستان به دو بخش تقسیم شد و قلمرو این حکومت به لرستان پشت‌کوه محدود گردید. نیمی دیگر قلمرو لرستان که شامل لرستان کنونی می‌شد، به انضمام ایالت‌های غربی کردستان، عربستان تحت حکومت محمد علی دولت‌شاه فرزند فتح‌علی شاه قرار گرفت و از این زمان به بعد حاکمان این منطقه مستقیماً از مرکز انتخاب می‌شدند. (راولینسون، ۱۳۶۲: ۵۲ - ۵۱؛ محمود میرزا، ۱۳۹۰: ۱۸۰؛ قایم مقام فراهانی، پیشین: ۳۲۱) در سال ۱۲۳۷ ق، با مرگ محمد علی دولت‌شاه، حکومت کرمانشاه به محمدحسین میرزا حشمت‌الدوله و نیز لرستان، بروجرد و بختیاری به حسام‌الدوله اعطا شد. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷ ب: ۱، ۸۹۴)

در مجموع ولایات ایران در عهد فتح‌علی شاه عبارت بودند از: ولایت خمسه (افضل الملک، ۱۳۶۱: ۴۰۹) سمنان و دامغان (اعتماد السلطنه، پیشین، ب: ج ۱، ۹۰۴) یزد (هدایت، پیشین: ج ۹ بخش دوم، ۷۴۵۰) بروجرد (اعتماد السلطنه، پیشین، ب: ج ۱، ۹۱۵؛ هدایت، پیشین: ج ۹، بخش دوم، ۷۶۲۰)، ملایر و تویسرکان (اعتماد السلطنه، همان: ج ۱، ۸۹۴) نهاوند (هدایت، همان: ج ۹، بخش دوم، ۷۹۳۲) قزوین (همان: ۷۹۲۳؛ اعتماد السلطنه، همان: ۳، ۱۴۵۸) کاشان (همان: ۱، ۹۱۵) استرآباد (گرگان). حکومت استرآباد از سال ۱۲۲۹ به مازندران اضافه شده و به محمد قلی میرزا ملقب ملک آرا سپرده شد. (اعتماد السلطنه، همان: ۱۵۱۸) شاهرود (فریزر، ۱۳۶۴: ۲۴۴) همدان (اعتماد السلطنه، پیشین: ۱۵۱۷) گلپایگان و خوانسار (همان: ۱، ۹۱۵) اصفهان (هدایت، پیشین: ج ۹، بخش دوم، ۷۴۵) گروس (مردوخ کردستانی، ۱۳۷۹: ۴۳۶) بسطام (فریزر، ۱۳۶۴: ۲۴؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۴: ج ۳، ۱۶۲۹) و پشت‌کوه (راولینسون، پیشین: ۵۲). بودند. (جدول شماره ۲).

با از دست رفتن مناطق بیگلر بیگی نشین قفقاز بر اثر جنگ با روسیه و سیاست فتح‌علی شاه قاجار، در انتصاب شاهزادگان به حکومت ایالات و ولایات از تعداد بیگلر بیگی نشین‌ها و قدرت آن‌ها در کشور کاسته شد. با مراجعه به منابع این دوره، مناطق بیگلر بیگی نشین در دوره‌ی سلطنت فتح‌علی شاه، عبارتند از: تهران (افشار، ۱۳۴۹: ۱۲۹؛ اعتضاد السلطنه، پیشین: ۷۵؛ دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۶؛ عضد‌الدوله، ۱۳۵۹: ۷۴ - ۷۳)، خوی (هدایت، ۱۳۸۰: ج ۹، بخش دوم، ۳۴۷، ۴۲۶، ۱۳۷۲، ۳۱۲؛ سپهر، پیشین: ۱، ۵۷؛ مفتون دنبلی، ۱۳۸۳: ۳۷۱)، تبریز (سپهر، پیشین: ۳۰۹، ۱۶۴، ۱۵۴، ۱۴۵، ۱۴۲؛ هدایت، پیشین: ۳۵، ۳۹۰، ۴۱۵، ۴۲۶؛ عبدالرزاق دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۷۹، ۳۲۶)، سلماس (هدایت، همان: ۳۵۷)، ارومیه (سپهر، پیشین: ج ۱، ۱۴۵؛ مفتون دنبلی، پیشین: ۱۶۳ - ۱۶۲؛ دروویل، پیشین: ۲۰۵)، ایروان (سپهر، همان: ۱، ۱۴۵؛ مفتون دنبلی، همان: ۱۶۳ - ۱۶۲؛ رضا قلی خان هدایت، پیشین: ۳۴۳؛ دنبلی، پیشین: ۱۱۴)، قبه و دربند (رضا قلی خان هدایت، همان: ۹، ۴۱۴؛ سپهر، همان: ۱، ۱۲۱)، استرآباد

(گرگان) (سپهر، همان: ۲، ۲۵۲)، مشهد (فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجار، ؟؟: ۱، ۶۲)، لارستان (هدایت، پیشین: ۴۶۶ - ۳۱۱)، کوهگیلویه (هدایت، همان: ج ۱۰، ۳۴)، لار و سبزه، یزد، اصفهان (حسینی فسایی، پیشین: ۷۰۹؛ منشی، ۱۳۶۸: ۱۹۸؛ هدایت، ۱۳۸۰: ج ۹، ۴۱۶ - ۳۳۵) و مراغه (سپهر، ۱۳۷۷: ۱، ۱۴۲، ۱۵۴، ۱۴۵، ۱۶۴، ۳۰۹؛ هدایت، پیشین: ج ۹، بخش دوم، ۳۵، ۳۹۰، ۴۱۵، ۴۲۶؛ عبدالرزاق دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۷۹، ۳۲۶) می‌شدند.

در سواحل جنوبی کشور نیز، در ابتدای دوره‌ی قاجار، ضابطی سواحل بنادر عباسی، لنگه و بوشهر به يك شخص که معمولاً از رؤسای قبایل عرب بود، اجاره داده می‌شد، ولی شیوخ مزبور از لحاظ اداری تابع حاکمان فارس بودند. در دوره‌ی سلطنت فتح‌علی شاه، حکومت بندرعباس و جزایر عمان در ازای شش میلیون تومان به سلطان بن احمد، امام مسقط واگذار شد. (بنی‌عباسیان بستکی، ۱۳۳۹: ۱۸۹ - ۱۹۱) هم‌چنین حکومت لنگه نیز، به شیوخ جواسم و حکومت بوشهر به شیوخ آل مذکور، اجاره داده شد؛ آنان از لحاظ سیاسی تابعیت ایران را در قراردادهای خود می‌پذیرفتند. از سوی دیگر، در زمان حکومت حسین‌علی میرزا، در فارس، حاکم بحرین نیز خود را تابع ایران خواند. (حسینی فسایی، پیشین: ۱، ۷۰۳؛ سپهر، پیشین: ۱، ۲۰۶) در اواسط سال ۱۲۱۵ هـ ق، سید سلطان امام مسقط به بهانه‌ی وصول مالیات به بحرین حمله کرد. شیخ سلطان بن محمد خلیفه؛ حاکم بحرین، برای دفع امام مسقط به حسین‌علی میرزا پیغام داد که حاضر است خراج عقب افتاده را به شیراز ارسال نماید و خود را تابع ایران خواند. از این‌رو، حسین‌علی میرزا، حکومت شیخ سلطان را در بحرین از سوی دولت ایران به رسمیت شناخت. در نهایت سید سلطان محمد مجبور شد بدون اخذ نتیجه از بحرین عقب‌نشینی کند. (حسینی فسایی، همان: ۷۰۳؛ سپهر، همان: ۲۰۶)

جدول شماره ۲: ایالات و ولایات ایران در زمان فتح‌علی شاه قاجار

ردیف	ولایت	توضیحات	ایالات
۱	خمسه	ایجاد ولایت خمسه در سال ۱۲۱۱ ق، بود. چون در این سال نواب شاهزاده عبدالله میرزا متخلص به دارا، به حکومت خمسه و زنجان مامور شد. (افضل الملک، پیشین: ۴۰۹)	آذربایجان (دروویل، پیشین: ۱۰ - ۹)
۲	سمنان (اعتماد)	حکومت آن در دوره‌ی فتح‌علی شاه، در	گیلان (دروویل، پیشین: ۱۰ - ۹)

	السلطنه، پیشین: ج ۱، ۹۰۴)	مواردی به صورت مستقل یا به انضمام دامغان به شاهزادگان اعطا شده است. (خاوری، پیشین: ۱۰۴)	۱۰ - ۹)
۳	یزد (هدایت، ۱۳۸۰: ج ۹، بخش دوم، ۷۴۵۰)	مازندران (درووئل، پیشین: ۱۰ - ۹)	
۴	بروجرد (همان، ج ۱، ۹۱۵: هدایت، پیشین: ج ۹، بخش دوم، ۷۶۲۰)	عراق (درووئل، پیشین: ۱۰ - ۹)	
۵	ملایر و تویسرکان (اعتماد السلطنه، پیشین: ۱، ۸۹۴)	فارس (درووئل، پیشین: ۱۰ - ۹)	
۶	نهایند (هدایت، پیشین: ج ۹، بخش دوم، ۷۹۳۲)	کرمان (درووئل، پیشین: ۱۰ - ۹)	
۷	قزوین (هدایت، پیشین: ۷۹۲۳: اعتماد السلطنه، پیشین: ج ۳، ۱۴۵۸)	خراسان (درووئل، پیشین: ۱۰ - ۹)	
۸	کاشان (اعتماد السلطنه، همان: ج ۱، ۹۱۵)	لرستان (درووئل، پیشین: ۱۰ - ۹)	
۹	استرآباد (فریزر، پیشین: ۲۴۴)	خوزستان (درووئل، همان: ۱۰ - ۹)	از سال ۱۲۲۹ حکومت استرآباد به حکومت مازندران اضافه شده و محمد قلی میرزا، ملقب به ملک آرا، سپرده شد.

	(اعتماد السلطنه، پیشین: ج ۳، ۱۵۱۸)		
۱۰	شاهرود (اعتماد السلطنه، پیشین: ج ۳، ۱۵۱۷)	کردستان: پس از مرگ محمد علی دولت‌شاه در ۱۲۳۷ قمری، مملکت غربی تحت حکومتش تقسیم شدند. (اعتماد السلطنه، همان: ۱، ۸۸۴)	
۱۱	همدان (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ج ۳، ۱۵۱۷)		
۱۲	گلپایگان و خوانسار (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ج ۱، ۹۱۵)		
۱۳	اصفهان (هدایت، پیشین: ج ۹، بخش دوم، ۷۴۵)		
۱۴	گروس (مردوخ کردستانی، ۱۳۷۹: ۴۳۶)		
۱۵	بسطام (فریزر، همان: ۲۴؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۴: ج ۳، ۱۶۲۹)		
۱۶	پشت‌کوه (راولینسون، ۱۳۶۲: ۵۲)		
۱۷	کرمانشاه (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ج ۳، ۱۵۱۷)		

	السلطنه، پیشین: (۱، ۸۹۴)	
--	-----------------------------	--

۳.۲.۱. تقسیمات کشوری در دوره‌ی محمد شاه (۱۲۲۲ - ۱۲۶۴ ق)

در زمان محمد شاه، کشور مشتمل بر نه ایالت «آذربایجان، گیلان، مازندران، عراق، فارس، کرمان، خراسان، کردستان و خوزستان» بود (دوسرسي، ۱۳۶۲: ۱۰۹ - ۱۰۸) با مراجعه به منابع این دوره، در یک جمع بندی ولایات ایران در دوره‌ی سلطنت محمد شاه قاجار، شامل گروس (هدایت، ۱۳۸۰: ۱۰، ۸۱۵۳)، بروجرد، گلپایگان و نهاوند (همان)، یزد (اعتماد السلطنه، پیشین: ۳، ۱۶۴۵)، قزوین (هدایت، پیشین: ۸۲۶۶)، همدان اصفهان (همان: ۸۲۷۲)، کاشان (همان: ۸۲۸۲)، بسطام (اعتماد السلطنه، پیشین: ۳، ۱۶۲۹)، سمنان و دامغان (خسرو بیگی، ۱۳۸۹: ۲۰) استر آباد (گرگان) (اعتماد السلطنه، پیشین: ج ۳، ۱۶۳۴)، شاهرود (همان: ۱۵۱۸)، خمسه (همان، ۱، ۹۱۳)، ملایر و توپسرکان (همان: ۱۵۱۸) بود. (جدول شماره ۳). مناطق بیگلر بیگی نشین در دوره‌ی سلطنت محمد شاه قاجار، عبارت بودند از: تهران (اعتضاد السلطنه، پیشین: ۵۰۴؛ سپهر، پیشین: ج ۲، ۱۷۹ - ۱۷۸؛ حسینی فسایی، پیشین: ج ۱، ۷۶۶؛ اعتضاد السلطنه، همان: ۴۲۷؛ سپهر، پیشین: ۲، ۱۶۰؛ هدایت، پیشین: ۱۰، ۱۶۹؛ اعتماد السلطنه، پیشین: ۱، ۵۰۴ - ۴۴۱) تبریز (فرمان‌ها و رقم‌های دوره‌ی قاجار، ۱۳۷۲: ۱، ۲۳۳)، استر آباد (گرگان)، کرمان (وزیری، ۱۳۷۰: ج ۲، ۷۹۳ - ۷۸۹)، کوهکیلویه (گرمودی، ۱۳۷۰: ۱۱۶)، کرمانشاه (هالینگبری، ۱۳۶۳: ۸۴) و جام و باخرز (خاوری شیرازی، پیشین: ۲، ۷۱۹ و ۸۲۵)

از تغییراتی که بنا به دلایل داخلی در محدوده‌ی ایالات و ولایات در زمان حکومت محمد شاه، روی داد؛ می‌توان از جدا شدن سمنان از قلمرو حکومتی خراسان و پیوسته شدن آن به ولایت دامغان نام برد. علت آن نیز، شورش‌های مکرر در این منطقه و همچنین اهمیت اقتصادی، نظامی منطقه سمنان بود. (خسرو بیگی و قنبری، ۱۳۸۹: ۲۰) همچنین در سال ۱۲۵۰ ق، فرهاد میرزا معتمد الدوله، به حکومت عربستان (خوزستان) و لرستان منصوب شد. در دوره‌ی محمد شاه، بارها حکومت لرستان و عربستان با هم به یک حاکم اعطا شد. (اعتماد السلطنه، پیشین: ۱، ۹۲۸)

همچنین در سال ۱۲۵۸ ق، در زمان محمد شاه، بلوک رامهرمز و بلوک فلاحي از بندر هندیان تا محمره از مملکت فارس جدا شد و ضمیمه نواحی عربستان و شوشتر شده و تحت حکومت منوچهر خان معتمد الدوله درآمد. (حسینی فسایی، پیشین: ۱، ۷۸۱) در سال ۱۲۶۰ ق، به پیشنهاد حاج میرزا

آقاسی، گروس، از حکومت خاندان کبودوند جدا و به‌عنوان ولایتی مستقل، به ابراهیم خان سرتیپ سلماسی واگذار شد. (وقایع نگار کردستانی، ۱۳۸۰: ۲۷۱) در این زمان در مرزهای شرقی ایران نیز، بلوچستان بار دیگر، ضمیمه‌ی قلمرو ایران شد. (هدایت، پیشین: ۱۰، ۸۲۸۰) همچنین طبق معاهده‌ی ارزنه الروم که به نمایندگی میرزا تقی خان امیر کبیر از ایران در سال ۱۲۶۳ ق، منعقد شد، اراضی شرقی ذهاب؛ یعنی اراضی جبالیه آن و دره‌ی کرند در اختیار ایران و اراضی غربی آن در اختیار عثمانی قرار گرفت. همچنین عثمانی مالکیت ایران بر بندر محمره (خرمشهر) و جزیره الخضر (آبادان) و نیز اراضی ساحل شرقی؛ یعنی سمت راست شط العرب را پذیرفت. ایران نیز، از هر گونه ادعایی بر ولایت سلیمانیه، صرف نظر کرد. (اعتماد السلطنه، پیشین: ۱، ۹۲۲؛ شیخ نوری، ۱۳۸۵: ۴۷)

جدول شماره ۳: ایالات و ولایات ایران در زمان محمد شاه قاجار

ردیف	ولایت	توضیحات	ایالت
۱	گروس (هدایت، پیشین: ج ۱۰، ۸۱۵۳)		آذربایجان (کنت دوسرسی، ۱۳۶۲: ۱۰۸)
۲	بروجرد (همان)		گیلان (همان)
۳	گلپایگان (همان)		مازندران (همان)
۴	نهایوند (همان)		عراق (همان)
۵	یزد (اعتماد السلطنه، پیشین)		فارس (همان)
۶	قزوین (هدایت، پیشین: ۸۲۶۶)		کرمان (همان)
۷	همدان (هدایت، همان)		خراسان (همان)
۸	اصفهان (همان: ۸۲۷۲)		خوزستان (همان)
۹	کاشان (همان: ۸۲۸۲)		کردستان (همان)
۱۰	بسطام (اعتماد)		لرستان (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷:)

		السلطنه، ۱۳۶۴: ج ۳، ۱۶۳۰)	(۹۱۹، ۱)
۱۱	ملایر و توپسرکان (همان: ۱۵۱۸)		
۱۲	سمنان (خسرو بیگی، ۱۳۸۹: ۲۰)	جدا سازی سمنان از قلمرو حکومتی خراسان و پیوسته شدن آن به ولایت دامغان در این دوره انجام شد. (همان)	
۱۳	استرآباد (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۴: ج ۳، ۱۶۳۴)		
۱۴	شاهرود (همان: ۱۵۱۹)		
۱۵	خمسه (همان: ۱، ۹۱۳)		
۱۶	کرمانشاه (همان: ۹۱۶)		

۴.۲.۱. ایالات و ولایات در دوره ناصرالدین شاه (۱۲۴۷ - ۱۳۱۳ ق)

در طول دوره‌ی پنجاه ساله‌ی حکومت ناصرالدین شاه، (۱۲۴۷ - ۱۳۱۳ ق) علاوه بر تغییر و تحولات در میزان وسعت ایالات و ولایات، نظام اداری آن‌ها نیز ثابت نماند. گاهی ولایت‌های کوچک‌تر به عنوان واحدهای مستقل در نظر گرفته می‌شدند، در مواردی نیز، همین قسمت‌ها به عنوان بخش‌هایی از ایالات بزرگ‌تر در نظر گرفته می‌شدند. بنا به نوشته ادوارد پولاک، در سال ۱۲۷۳ ه ق، مملکت ایران در این دوره، به بیست «حاکم نشین» یا «ولایت» تقسیم می‌شد که شامل ۱. آذربایجان ۲. خمسه که مرکز آن زنجان است ۳. همدان ۴. قزوین ۵. تهران ۶. قم ۷. کاشان ۸. اصفهان ۹. شیراز ۱۰. یزد ۱۱. کرمان ۱۲. ملایر - توپسرکان ۱۳. خراسان که مرکز آن مشهد است

۱۴. عربستان (خوزستان) که مرکز آن شوشتر است ۱۵. کرمانشاه ۱۶. کردستان که مرکز آن سنه (سنندج) است ۱۷. استرآباد (گرگان) ۱۸. گیلان که مرکز آن رشت بوده است ۱۹. مازندران که مرکز آن ساری است ۲۰. بروجرد، می‌گردید. (یولاک، ۱۳۶۸: ۲۹۶)

دولت قاجار، در دوره‌ی ناصرالدین شاه (۱۲۴۷ - ۱۳۱۳ ق) بنا به دلایل خارجی و هجوم بیگانگان بخش‌هایی از کشور را از دست داد؛ در این دوره در سال ۱۲۷۳ ق (۱۸۵۷ م)، با حملات تجاوزکارانه انگلیس به جنوب کشور، طی عهدنامه پاریس استقلال هرات از ایران به رسمیت شناخته شد. (هوشنگ مهدوی، پیشین: ۲۷۷ - ۲۷۳) هم‌چنین در تقسیم‌بندی که در ایالت سیستان در سال ۱۲۸۷ ه ق، با وساطت گلداسمیت انجام گرفت، سیستان به دو قسمت اصلی و خارجی تقسیم شد؛ سیستان اصلی از نیزار واقع در شمال آن ایالت تا ملک سیاه کوه؛ یعنی ناحیه‌ای که در غرب رود هیرمند قرار داشت، به ایران و ناحیه‌ای که در شرق رود هیرمند واقع شده بود، به افغانستان داده شد. (کرزن، ۱۳۶۳: ج ۲، ۳۱۲؛ بیت، ۱۳۶۵: ۵۷ - ۴۸) در دوره‌ی ناصرالدین شاه، صرفاً حاکمیت ایران بر بخش غربی بلوچستان تثبیت شد. (پیری، ۱۳۹۴: ۲۲) در سال ۱۲۹۹ ه ق، نیز، به موجب پیمان سرحدی آخال ایران از کلیه دعاوی خود نسبت به ترکستان و ماوراءالنهر، چشم‌پوشید و اترک به‌عنوان مرز میان دو کشور تعیین شد. (کرزن، پیشین: ۱، ۱۹۸) کرزن که در سال ۱۳۰۶ ه ق، از ایران دیدن کرده است، تعداد ایالات کشور را یازده ایالت آذربایجان (تبریز)، خراسان و سیستان (مشهد)، تهران و توابع (تهران)، فارس، اصفهان، کرمان و بلوچستان ایران (کرمان)، خوزستان (شوشتر)، گیلان و طوالش (رشت)، مازندران (آمل)، یزد و توابع (یزد)، خلیج فارس و جزایر ساحلی (بوشهر) و هم‌چنین هجده ولایت شامل کردستان، لرستان، عراق و فراهان، خمسه، قزوین، استرآباد (گرگان)، سمنان و دامغان، قم، کاشان، گلپایگان و خوانسار، کزاز (شازند)، گروس (بیجار)، همدان، نهاوند، نطنز، بیابانک و جندق می‌داند. (همان، ۵۷۱) شهرهای داخلی در این دوره، نیز، شامل بروجرد، کمره، جوشقان، خرقان، طالقان، فیروزکوه، بسطام، استرآباد (گرگان)، خوار، دماوند، ساوه، طارم بودند. (همان)

در مجموع، در خصوص وضعیت تعداد ایالات و ولایات ایران در اواخر دوره‌ی ناصرالدین شاه، با بررسی منابع این دوره و چکیده و متن سال‌نامه‌های ایران بین سال‌های ۱۲۹۰ ق تا ۱۳۱۲ ق، مشخص می‌شود، در این دوره کشور به جز دارالخلافه تهران که جزء ادارات درباری نوشته شده است، (اعتماد السلطنه، پیشین: ۱، ۵۵۷) از ۱۱ ایالت و ۲۱ ولایت تشکیل می‌شد. ایالات عبارت بودند از: گیلان، مازندران، خراسان و سیستان، کردستان، آذربایجان، لرستان، عراق، خوزستان، کرمان و

بلوچستان، بنادر جنوب. ولایات نیز شامل قزوین، یزد، اصفهان، استرآباد، ولایات ثلاث (ملایر، نهاوند و تویسرکان)، خمسه، کرمانشاه، سمنان و دامغان، شاهرود و بسطام و نردین، گروس، بروجرد، گلپایگان و خوانسار، کنگاور، قم، همدان، نهاوند، سوادکوه، طارم، کاشان، اسدآباد و نطنز (چکیده و متن کامل سالنامه‌های ایران، پیشین: ۲، ۸۶۰ - ۸۵۹، ۹۳۹ - ۹۳۸؛ ۱، ۲۲۹ - ۲۳۰، ۱۲۱ - ۱۱۸؛ اعتماد السلطنه، پیشین: ۱، ۵۶۰ - ۵۵۸) (جدول شماره ۴) با مقایسه‌ی ایالات از دوره‌ی فتح‌علی شاه، مشخص می‌شود ایالات از دوره‌ی فتح‌علی شاه، تا به دوره‌ی ناصری گذشته از محدود و مساحت و تعداد شهرهای آن‌ها که تغییراتی در آن‌ها مشاهده می‌شود؛ از چند ایالت آذربایجان، گیلان، مازندران، فارس، خراسان، خوزستان، لرستان، عراق، کرمان و کردستان تشکیل شده‌اند؛ در دوره ناصری نیز، ایالت «بنادر و جزایر» به ایالات کشور افزوده شده است. چهار ایالت بزرگ آذربایجان، فارس، کرمان، خراسان نیز، تا دوره ناصری «مملکت» خوانده شده‌اند. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۴: ۱، ۵۵۹ - ۵۵۷)

مناطق بیگلر بیگی نشین، در دوره‌ی ناصری شامل تهران (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۳: ۴۲۷، ۴۴۱، ۵۰۴)، آذربایجان (نصیری، ۱۳۶۸: ۱۴؛ نادر میرزا، ۱۳۷۷: ۱۶۴)، استرآباد (گرگان) (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ج ۲، ۱۲۰۴)، هزاره (همان، ۱۳۶۴: ۳، ۱۷۴۱)، اصفهان (همان، ۱۳۶۴: ۳، ۱۸۵۸) و شیراز (همان، ۱۳۶۴: ۳، ۱۷۴۸) بود (همان، ۱۳۶۷: ج ۲ و ۳، ۱۲۰۴ و ۱۳۰۲)

در دوره‌ی ناصرالدین شاه، در راستای تحولات داخلی و با نظر و خواست حکومت مرکزی در تقسیمات کشوری تحولاتی روی داد، از جمله در سال ۱۲۶۷ ق، «حکومت گلپایگان و خوانسار از عربستان و لرستان جدا شد و حکومت این مناطق و کمره به نواب احمد میرزا معین الدوله اعطا شد. (همان، ۱۳۶۷: ۳، ۱۷۱۴) سپس در سال ۱۲۹۵ ق، حکمرانی گلپایگان و خوانسار و بروجرد، به حکمرانی اصفهان و ظل السلطان ضمیمه شدند. (همان: ۱۹۷۶) در سال ۱۲۹۷ ق، حکومت عربستان، لرستان و عراق نیز، به مناطق تحت حکمرانی وی اضافه شد. (همان: ۲۰۰۴) در سال ۱۲۸۴ ق، حکومت خاندان اردلان در کردستان که پس از انعقاد قرارداد ارزنه الروم دوم (۱۲۶۳ ق) از اهمیت آن‌ها در مرزهای غربی کاسته شده بود، بر کنار و از آن به بعد حاکمان این منطقه به‌طور مستقیم از طرف حکومت مرکزی انتخاب می‌شدند. (بهرامی و مظفری، ۱۳۸۹: ۲۱)

از دیگر تغییراتی که در تعداد ایالات و ولایات در این زمان روی داد؛ از تشکیل ایالتی به‌عنوان «ایالت مرکزی» در سال ۱۲۹۳ ه ق، باید نام برد. این ایالت شامل عراق، ملایر، تویسرکان، نهاوند، همدان، بروجرد، گلپایگان و خوانسار بود. نصرت الدوله فرمان‌فرما به‌عنوان حکمران و فرمان‌فرمای

این ایالت منصوب شد. احتمالاً این ایالت تنها در محدوده‌ای زمانی بین سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۵ هـ ق، موجودیت داشت؛ چون در چکیده و متن سال‌نامه‌های ایران سال ۱۲۹۶ هـ ق، دیگر اثری از آن نیست. (چکیده و متن سال‌نامه‌های ایران، ۱۳۸۹: ۱۸۳۰ - ۱۸۱۶)

پیرو اصلاحات اداری دوره‌ی ناصری که به تشویق سپهسالار برای ایجاد سیستم اداری جدید و افزایش نفوذ حکومت مرکزی در ایالات و ولایات صورت گرفت؛ در سال ۱۲۹۳ ق، دستورالعملی برای حاکمان ایالات و ولایات و رییسان آن وضع شد که بر طبق آن عزل و نصب حاکمان، در اختیار وزارت داخله قرار می‌گرفت و حاکمان، ملزم به همکاری با ادارات داخله، عدلیه، قشون، تجارت و صنعت می‌شدند؛ (مستوفی، ۱۳۷۱: ۱، ۲۱۴) اما این دستورالعمل با کارشکنی حاکمان، به نتیجه نرسید. (امین الدوله، پیشین: ۵۵) سپس در سال ۱۲۹۵ ق، بنا به دستور ناصرالدین شاه، در حوزه اداره ایالات، وزیران سه گانه شامل امیر کبیر نایب السلطنه، مستوفی الممالک و سپهسالار، اداره‌ی ایالات و ولایات را بر عهده گرفتند؛ بدین ترتیب در راستای اداره‌ی متمرکزتر، ایالت و ولایات ایران به سه قسمت تقسیم شد و مدیریت آن میان وزیران سه گانه، تقسیم شد. بنا به این فرمان حاکمان، باید در امور مربوط به ولایات و ایالات خود به اداره‌ی مستقلة مربوط رجوع کنند؛ به این ترتیب، نواب والا امیر کبیر نایب السلطنه ولایات و اموری شامل حکمرانی و انتظام تهران، مازندران و گیلان، دماوند فیروز کوه، قم، کاشان، ساوه، زرنده، ملایر و تویسرکان نه‌اوند را در اختیار داشت. مستوفی الممالک اداره‌ی ولایات فارس، کرمان، بلوچستان، اصفهان و یزد کرمانشاهان، کردستان، عربستان، لرستان، عراق و بروجرد و گلپایگان و خوانسار، کمره و نطنز و جوشقان و محلات همدان و اسدآباد و کنگاور را تحت نظارت داشت. اداره آذربایجان خراسان و سیستان، استرآباد (گرگان) و گرگان و ترکمان قزوین و خمسه، سمنان و دامغان، شاهرود و بسطام، گروس، خرقانین امور سرحدیه و تذکره یهود و مسیحی، گبر نیز به عهده‌ی سپهسالار اعظم گذاشته شد. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۳، ۱۸۲۳ - ۱۸۲۴) در سال ۱۳۰۵ ق، دستورالعمل جدیدی، از سوی حکومت مرکزی و خطاب به امین السلطان صادر شد. طبق مطالب مقدمه آن مقرر گردیده است، از هر ایالت و ولایت حاکمی مستقیماً از دربار معدلت‌مدار فرستاده شود، تا «احکام زودتر به آن‌ها برسد و آن‌ها نیز عرایض را بدون واسطه و بدون تأخیر به عرض آستان قدس همایون برسانند.» طبق این دستورالعمل، علاوه بر این‌که هم‌کاری پنج اداره‌ی مالیه، قشون، عدلیه، تجارت و صنعت و احتساییه با حاکم در امر حکومت هم‌کاری داشتند، عمل کرد حاکم زیر نظر وزارت داخله قرار گرفت. (دستورالعمل حکام سال ۱۳۰۵ به نقل از آدمیت، ناطق، ۱۳۵۶: ۴۵۴ - ۴۶۰) در این راستا در جمادی الثانی ۱۳۰۵ ق، ظل السلطان از

حکومت ایالات و ولایات متعددی که داشت؛ معزول گشت و تنها حکومت اصفهان به او سپرده شد. عزل او به کوشش میرزای علی اصغر خان امین السلطان انجام گرفت. (آدمیت، ناطق، همان: ۴۵۴؛ اعتماد السلطنه، پیشین: ۵۵۱)

همچنین در دوره‌ی ناصری، اداره‌ی مناطق شمالی خلیج فارس نیز، در اختیار حاکمان فارس، قرار داشت؛ به فرمان ناصرالدین شاه، سلطان مراد میرزا حسام السلطنه والی فارس، در سال ۱۲۸۴ هـ ق، به بندر عباس رفت و زمامداری امام مسقط را در آن جا را به پایان رساند. (حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۱، ۸۳۰) بدین ترتیب، حکومت بندر عباس، تحت اختیار حاکم فارس درآمد. در خصوص بندر بوشهر نیز، در دوره‌ی ناصری تسلط آل مذکور، در این منطقه موجب نارضایتی تجار ایرانی شده بود؛ در نتیجه، ناصرالدین شاه، نصرت الدوله فیروز، حاکم فارس شیخ نصر خان پسر شیخ عبدالرسول خان آل مذکور، را به شیراز احضار و از حکومت بوشهر عزل کرد؛ سپس حکومت بندر بوشهر را به حسن علی میرزا خان دریاییگی پسر علی اکبر قوام الملک اعطا کرد. (همان: ۸۴۰) بدین ترتیب، حکومت سواحل شمالی خلیج فارس، تحت نفوذ حاکمان فارس درآمد؛ اما به دنبال ایجاد «حکومت بنادر و جزایر» توسط امین السلطان، جزایر شمالی خلیج فارس از تحت نظارت حاکمان فارس، جدا و مستقل شد. توضیح آن که امین السلطان اول، که از جمله نزدیکان و مشاوران ناصرالدین شاه بود؛ بعد از انتصاب به سمت ریاست دربار اعظم و خزانه گمرک متوجه شد که عایدات گمرکی که از بنادر و سواحل خلیج فارس، به دست می‌آید، بسیار کم است. بنابراین، برای احیای گمرکات برای دولت با ناصرالدین شاه، مشورت کرد و سعد الملک برادر نظام السلطنه مافی را مأمور امور گمرکی فارس و بنادر کرد. هم‌چنین شرح وظایف و محدوده‌ی اختیارات حاکم جدید را مشخص کرد. (نظام السلطنه مافی، ۱۳۶۲: ۲، ۳۶۰) ساختار جدید، به نام «حکومت بنادر و جزایر» خوانده می‌شد. (همان) اعتماد السلطنه این سازمان را به نام «بنادر جنوب» نام می‌برد. (اعتماد السلطنه، پیشین: ۱، ۴۲۷) در نهایت در سال ۱۳۰۵ هـ ق، میرزا علی اصغر خان اتابک، اعظم تشکیلات اداری حکومت بنادر و جزایر با مرکزیت بوشهر را رسماً اعلام کرد و محمد حسن خان سعد الملک به این سمت منصوب شد. (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۲: ۳۰۲)

جدول شماره ۴: ایالات و ولایات ایران در اواخر دوره‌ی ناصری

ردیف	ایالات	ولایات
۱	گیلان (چکیده سال‌نامه، ۱۳۸۹: ۱، ۲۲۹)	قزوین و توابع (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۴: ۱، ۵۵۹)
۲	مازندران (اعتماد السلطنه، همان: ۵۵۸)	یزد (همان: ۵۵۹)
۳	خراسان و سیستان (همان: ۵۵۸)	اصفهان (همان: ۵۵۹)
۴	فارس: مملکت فارس نیز خوانده شده است. (همان: ۵۵۸)	همدان (چکیده سال‌نامه، پیشین: ۲، ۸۵۹)
۵	کردستان (اعتماد السلطنه، پیشین: ۵۵۸)	ولایات ثلاث (ملایر، نهاوند و تویسرکان) (چکیده سال‌نامه، پیشین: ۹۳۹).
۶	لرستان (اعتماد السلطنه، پیشین: ۵۵۸)	خمسه (همان: ۵۵۹)
۷	عراق (همان: ۵۵۹).	سمنان و دامغان (همان: ۵۶۰)
۸	خوزستان (همان: ۵۵۹)	شاهرود، بسطام و نردین (همان: ۵۶۰)
۹	کرمان و بلوچستان: مملکت کرمان و بلوچستان نیز خوانده شده است. (چکیده سال‌نامه، ۱۳۸۹: ۲، ۹۳۸)	گروس (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۴: ۱/۵۵۹)
۱۰	آذربایجان (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۰: ۷۷، همو، ۱۳۶۷: ۱، ۵۵۷)	گلپایگان و خوانسار (همان، ۱۳۶۸: ۱، ۵۵۹)
۱۱	بنادر و جزایر (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۲: ۳۰۲)	کرمانشاه: در دوره‌ی ناصری در مواردی ایالت خوانده شده؛ با عنوان ایالت کرمانشاه، کردستان و سرحد عراقین بوده است. (چکیده سال‌نامه‌ها، پیشین: ۱، ۱۵۰)
۱۲		بلوچستان (همان: ۱۲۱)
۱۳		کنگاور (همان: ۲، ۹۳۹)
۱۴		اسدآباد (اعتماد السلطنه، پیشین: ۱، ۵۵۹).

استر آباد و گرگان و ترکمن (همان: ۵۵۹)	۱۵
کاشان (چکیده سال نامه‌ها، پیشین: ۱، ۲۳۰)	۱۶
طارم (اعتماد السلطنه، پیشین: ۱، ۵۶۰)	۱۷
قم (چکیده سال نامه‌ها، پیشین: ۱، ۲۳۰)	۱۸
ساوه و زرنند (اعتماد السلطنه، پیشین: ۵۵۹)	۱۹
خرقابین (چکیده سال نامه‌ها، پیشین: ۲، ۹۳۹)	۲۰
سوادکوه (اعتماد السلطنه، پیشین: ۱، ۵۵۹)	۲۱

نتیجه

با بررسی در متون تاریخی این دوره، در مورد تقسیمات کشوری و تعداد ایالات و ولایات این نتیجه حاصل می‌شود که قلمرو کشور در دوره‌ی قاجاریه هم‌چون حکومت‌های پیشین با هدف تسهیل امور سیاسی و اداره‌ی کشور به تعدادی ایالات و ولایات تقسیم شده بود. این تقسیم بندی‌ها در طول سلطنت شاهان قاجاریه، بر ایران با توجه به سیاست حکومت مرکزی، میزان اهمیت سیاسی، اقتصادی، نظامی هر ایالت و ولایت، بروز شورش یا بی‌نظمی‌ها در یک منطقه یا هم‌جواری دویا چند ایالت و ولایت با هم و نیز عوامل خارجی هم‌چون: حملات روسیه، انعقاد قراردادهای تحمیلی با دولت‌های انگلیس و روسیه دایما در حال تغییر بود. علاوه بر موارد یاد شده، ایجاد سهولت در وصول مالیات، میزان اعتماد شاه به حاکم و هم‌چنین چند و چون روابط حاکم با نهادهای قدرت در این تقسیم بندی‌ها نقش بسزایی داشت.

در دوره‌ی حکومت آقا محمد شاه (۱۱۵۵ - ۱۲۱۱ ق) که به جنگ و درگیری برای تصرف ایالات و ولایات سپری شد، ایالات قفقاز و هم‌چنین خراسان بزرگ بار دیگر به تسلط حکومت مرکزی درآمد؛ اما در دوره‌ی شاهان بعدی قاجار تقسیمات کشور، دچار تغییر و تحولاتی شد. بیش‌ترین تغییر و تحولات در ایالات و ولایات در دوره‌ی حکمرانی فتح‌علی شاه (۱۱۸۵ - ۱۲۵۰ ق) و ناصرالدین شاه (۱۲۴۷ - ۱۳۱۳ ق) بوده است. در دوره‌ی حکومت فتح‌علی شاه، به دنبال از دست رفتن بخش‌هایی از کشور در نتیجه تهاجم کشور روسیه و به دنبال آن قراردادهای تحمیلی از یک‌سو و هم‌چنین اجرای سیاست قاجاری کردن حاکمان در کشور در تعداد ایالات و ولایات تغییراتی داده شد؛ تعدادی از ایالات و ولایات برای همیشه از ایران جدا شدند و هم‌چنین ولایات جدیدی هم‌چون: ایالت خمسه ایجاد شد و نیز، در این زمان تحولاتی در وسعت و محدوده‌ی تعدادی از ایالات کشور نیز، روی داده است.

در دوره‌ی حکومت ناصرالدین شاه، در نتیجه‌ی قراردادهای تحمیلی با دولت‌های غربی، ایران از حاکمیت بر هرات و قسمتی از ترکستان چشم پوشید. هم‌چنین با اقدامات ناصرالدین شاه، برای اصلاحات و ایجاد نظام نوین اداری و افزایش نفوذ حکومت مرکزی، هم‌چنین دستیابی به سود و درآمد بیش‌تر در محدوده‌ی، وسعت ایالات و ولایات کشور تغییراتی ایجاد شد و تعداد آن‌ها افزایش یافت.

منابع

الف. کتاب‌ها

۱. آرنوا، م. ر؛ اشرافیان، و، ک، ز (۲۵۳۶)، دولت نادرشاه افشار، ترجمه حمید امین، تهران، انتشارات دانشگاهی، چاپ دوم.
۲. آشتیانی، عباس اقبال و جهان‌گیر میرزا (۱۳۸۴)، *تاریخ نو*، به اهتمام عباس اقبال، تهران، نشر علم، چاپ اول.
۳. آل داوود، سید علی (۱۳۷۷)، *دو سفرنامه از جنوب در سال‌های (۱۲۵۶ - ۱۳۰۷ ه ق)*، به تصحیح و تنظیم سید علی آل داوود، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم.
۴. ابن بلخی (۱۳۸۵)، *فارس‌نامه*، تصحیح گای لسترینج و رینولد آلن نیکسون، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول.
۵. استرآبادی، میرزا مهدی خان (۱۳۹۰)، *جهان‌گشای نادری*، تصحیح میترا مهرآبادی، تهران، انتشارات دنیای کتاب، چاپ دوم.
۶. منشی، اسکندر بیگ (۱۳۷۷)، *عالم‌آرای عباسی*، ویراستار محمد اسماعیل رضوانی، تهران، انتشارات دنیای کتاب، چاپ اول.
۷. اعتضاد السلطنه، علی‌نقی میرزا (۱۳۷۰)، *اکسیرالتواریخ (تاریخ قاجاریه از آغاز تا سال ۱۲۵۹ ق)*، به کوشش جمشید کیان‌فر، تهران، انتشارات ویسمن، چاپ اول.
۸. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۵۰)، *روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه*، با مقدمه ایرج افشار، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.
۹. _____ (۱۳۶۳)، *المآثر و الآثار*، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ دوم.
۱۰. _____ (۱۳۶۴)، *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح اسماعیل رضوانی، تهران، انتشارات دنیای کتاب، چاپ اول.
۱۱. _____ (۱۳۶۷)، *مراه البلدان*، با تصحیحات و حواشی و فهرس به کوشش عبدالحسین نوایی و میر هاشم محدث، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

۱۲. افضل الملک، غلام‌حسن (۱۳۶۱)، *افضل‌التواریخ*، تصحیح منصوره اتحادیه و سیروس سعدونیان، تهران، نشر تاریخ ایران، چاپ اول.
۱۳. افشار، میرزا مصطفی (۱۳۴۹)، *سفرنامه خسرو میرزا (به پطرزبورگ و تاریخ زندگی عباس میرزا نایب السلطنه)*، به کوشش محمد گلبن، تهران، نشر کتاب‌خانه مستوفی، چاپ اول.
۱۴. امین الدوله، علی خان (۱۳۵۵)، *خاطرات سیاسی امین الدوله*، به کوشش حافظ فرمان‌فرمایان، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم.
۱۵. برن، رهر (۱۳۸۳)، *نظام ایالات در دوره صفویه*، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
۱۶. بنی عباسیان بستکی، محمد اعظم (۱۳۳۹)، *تاریخ جهان‌گیریه و بنی عباسیان بستک*، به کوشش عباس انجم، تهران، بی‌نا، چاپ اول.
۱۷. بیت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵)، *سفرنامه خراسان و سیستان*، شرح سفر کلنل بیت به ایران و افغانستان، ترجمه قدرت‌الله روشنی و مهرداد رهبری، تهران، انتشارات یزدان، چاپ اول.
۱۸. پولاک یاکوب، ادوارد (۱۳۶۸)، *ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ دوم.
۱۹. خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله (۱۳۸۱)، *تاریخ ذوالقرنین (سرگذشت فتح‌علی شاه)*، تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر، تهران، انتشارات اهل قلم، چاپ اول.
۲۰. حسینی فسایی، حسین (۱۳۸۲)، *فارس‌نامه ناصری*، ویراستار منصور رستگار فسایی، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم.
۲۱. دروویل، گاسپار (۱۳۷۰)، *سفر در ایران*، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، تهران، انتشارات شباویز، چاپ چهارم.
۲۲. ذنبلی، عبدالرزاق بیگ بن نجف‌قلی (۱۳۸۳)، *ماثر السلطانیه* (تاریخ جنگ‌های اول روس و ایران)، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
۲۳. راولینسون، هنری کریزک (۱۳۶۲)، *سفرنامه راولینسون*، (گذر از ذهاب به خراسان)، ترجمه اسکندر امان‌الهی بهاروند، تهران، انتشارات آگاه، چاپ اول.
۲۴. ساروی، فتح‌الله (۱۳۷۱)، *تاریخ محمدی (حسن‌التواریخ)*، به اهتمام غلامرضا مجد طباطبایی، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.

۲۵. سانسون، نیکلا (۱۳۴۶) وضع کشور شاهنشاهی ایران در دوره‌ی شاه سلیمان صفوی، ترجمه تقی تفضلی، تهران، انتشارات ابن سینا، چاپ اول.
۲۶. سپهر، محمد تقی (۱۳۷۷)، *ناسخ‌التواریخ تاریخ قاجاریه: از آغاز تا پایان سلطنت فتح‌علی شاه*، به‌کوشش جمشید کیان‌فر، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول.
۲۷. عضد الدوله (۱۳۵۹)، *تاریخ عضدی*، به‌کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم.
۲۸. فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴)، *سفرنامه فریزر*، ترجمه دکتر منوچهر امیری، تهران، انتشارات طوس، چاپ اول.
۲۹. فراستی، رضا (۱۳۷۲)، *فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجار*، تهران: موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم.
۳۰. قاسمی، سید فرید (۱۳۸۹)، *چکیده و متن کامل سال‌نامه‌های ایران ۱۳۱۲ - ۱۲۹۰ (۱۳۸۹)* - تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول.
۳۱. قایم مقام فراهانی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۳۶)، *منشآت قائم مقام*، تصحیح محمد عباسی، تهران، انتشارات شرق، چاپ اول.
۳۲. کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۸۰)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلام‌علی وحید مازندرانی، تهران، ترجمه و نشر کتب، چاپ پنجم.
۳۳. کنت دوسرسی (۱۳۶۲) / *ایران در (۱۸۳۹ - ۱۸۴۰)*، ترجمه احسان اشراقی، تهران، مرکز دانشگاهی، چاپ اول.
۳۴. گرم‌رودی، میرزا عبدالفتاح (۱۳۷۰)، *روزنامه موسوم به چهار فصل*، به‌کوشش فتح‌الله فتاحی، تهران، انتشارات مستوفی، چاپ دوم.
۳۵. محمود میرزا قاجار (۱۳۹۰)، *عهد حسام (سفرنامه لرستان و خوزستان، سال ۱۲۴۵ ق)*، به‌کوشش ایرج افشار، تهران، موسسه و مرکز پژوهشی میراث مکتوب، چاپ اول.
۳۶. مافی، نظام السلطنه (۱۳۶۲)، *خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی*، به‌کوشش سیروس سعدونیان، منصوره اتحادیه و حمید رام‌پیشه، تهران، نشر تاریخ ایران، چاپ دوم.
۳۷. مجلس شورای ملی، *مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه (۱۳۰۹)*، تهران، انتشارات مجلس شورای ملی، چاپ اول.
۳۸. مردوخ کردستانی، محمد (۱۳۷۹)، *تاریخ کردستان*، تهران، انتشارات کارنگ، چاپ اول.

۳۹. مریوانی، محمد (۱۳۸۲)، بیجار در گذر زمان، تهران، نشر نیک پندار، چاپ اول.
۴۰. مروی، محمد کاظم (۱۳۶۴)، عالم آرای نادری، تصحیح و ویراستاری محمد امین ریاحی، تهران، انتشارات نقش جهان، چاپ اول.
۴۱. میرزا سمیع، محمد سمیع (۱۳۷۸)، تذکره الملوک، ترجمه مسعود رجب‌نیا، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم.
۴۲. نادر میرزا قاجار (۱۳۷۷)، تاریخ و جغرافیای دار السلطنه تبریز، غلامرضا مجد طباطبایی، تبریز، انتشارات ستوده.
۴۳. ناصرالدین شاه (۱۳۸۷)، سفرنامه عراق عجم: به انضمام تاریخ و جغرافیای راه عراق عجم، به کوشش میر هاشم محدث و حامد نبیری عدل، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
۴۴. وزیر کرمانی، احمد علی خان (۱۳۷۰)، تاریخ کرمان، به تصحیح و تحشیه محمد ابراهیم پاریزی، تهران، انتشارات علمی، چاپ چهارم.
۴۵. واتسن، رابرت کرن (۲۵۳۶)، تاریخ ایران دوره قاجاریه، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول.
۴۶. وفا زواره‌ای، محمد علی (۱۳۸۵)، تذکره مآثر الباقریه، به کوشش حسین مسجدی، اصفهان، انتشارات سازمان فرهنگی - تفریحی شهرداری اصفهان، چاپ اول.
۴۷. وقایع نگار کردستانی، علی اکبر (۱۳۸۰)، جغرافیا و تاریخ کردستان: حدیقه ناصریه و مرآت الظفر، به تصحیح و ویراستاری محمد رئوف توکلی، تهران، انتشارات توکلی، چاپ دوم.
۴۸. نصیری، محمدرضا (۱۳۶۸)، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، تهران، انتشارات کیهان، چاپ اول.
۴۹. هالینگبری، ویلیام (۱۳۶۳)، روزنامه سفر هیات سر جان ملکم، ترجمه امیر هوشنگ امینی، تهران، انتشارات کتابسرا، چاپ اول.
۵۰. هدایت، رضا قلی خان بن محمد هادی (۱۳۸۰)، روضه الصفای ناصری، تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول.
۵۱. _____ (۱۳۷۳)، فهرس التواریخ، به کوشش عبدالحسین نوایی و میر هاشم محدث، تهران، پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
۵۲. هروودوت (۱۳۸۴)، تاریخ هروودوت، ترجمه هادی هدایتی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.

ب. مجلات

۵۳. باستانی‌راد، حسن (۱۳۸۹)، «واژه‌شناسی تاریخی استان در ایران»، فصل‌نامه تاریخ ایران، پاییز، شماره ۶۶/۵، صص ۲۶-۱.
۵۴. بهرامی، روح‌الله؛ مظفری، پرستو (۱۳۸۹)، «روابط حکام اردلان و امارت بابان و مناسبات ایران و امپراتوری عثمانی در عهد قاجار (۱۲۱۲-۱۲۶۲)»، فصل‌نامه تاریخ روابط خارجی، زمستان، شماره ۱۲، (پیاپی ۴۵)، صص ۲۴-۱.
۵۵. پیری، محمد (۱۳۹۴)، «چالش‌های پادشاهان قاجار با حکمرانان محلی بلوچستان (۱۲۱۲-۱۲۶۴)»، فصل‌نامه تاریخ‌های محلی ایران، شماره ۶، بهار و تابستان، صص ۲۳-۵.
۵۶. خسرو بیگی، هوشنگ؛ قنبری مله، زهرا (۱۳۸۹)، «اوضاع اجتماعی و اقتصادی سمنان در اوایل عصر قاجار، تا سال ۱۳۱۰ ق»، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، پاییز و زمستان، شماره ۱، صص ۴۱-۱۹.
۵۷. شیخ نوری، محمد امیر (۱۳۸۵)، «دیپلماسی امیر کبیر در ارزنه الروم»، نشریه زمانه، آبان ماه، شماره ۵۰، صص ۴۹-۴۳.
۵۸. متولی حقیقی، یوسف (۱۳۷۹)، «رویارویی زمان شاه افغان با نخستین فرمان‌روایان قاجار»، مشکوه، بهار، شماره ۶۶، صص ۶۰-۴۸.

ج. مآخذ و تحقیقات جدید

۵۹. آدمیت، فریدون و هما ناطق (۱۳۵۶)، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوره قاجار، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۶۰. شعبانی، رضا (۱۳۷۷)، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، تهران، نشر قومس، چاپ دوم.
۶۱. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۳)، تاریخ روابط خارجی ایران: از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم (۱۵۰۰-۱۹۴۵)، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ نهم.

د. ساکما: اسناد و کتابخانه ملی

۶۲. شناسه ۱۶۱۹۸/۲۹۶، تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام، ماده ۲ و ۳